



آموزگار برجسته اخلاق...

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی شرعی

عمل به جزء جزء احکام اسلام را در طلاب تقویت کرد و این کار را هم کرد. او معتقد بود که محیط مدرسه می‌بایست محیط عمل و مراقبت باشد و چنین محیطی را به وجود آورده بود.

به نظم بسیار اهتمام داشت و سخت معتقد به انجام وعده‌هایش بود. همین شیوه تربیتی، آثار درخشانی برای انقلاب داشت. تربیت‌شدگان ایشان جزو مقاوم‌ترین اشخاص حوزه در برابر طاغوت بودند و پس از پیروزی انقلاب جزو بهترین کسانی بودند که نسبت به مسئولیت‌ها احساس تعهد می‌کردند و مانند خودش فداکارانه و مخلصانه، از هیچ گونه تلاشی در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی دریغ نداشتند و از نام و شهرت پرهیز می‌کردند. اینجاست که نقش تربیت را در یک حرکت به‌خوبی احساس می‌کنیم.

حقیر در زمینه مشکلات خواران با ایشان رابطه مستقیم داشتم. حدود سال ۵۰، خواران به عنوان تحصیل علوم اسلامی از بعضی شهرستان‌ها به قم آمدند و به طور خصوصی تحصیل می‌کردند. در عین حال که طاغوت در همه شئون دینی و حوزه‌های علمیه مشکلاتی را ایجاد کرده بود، موج علاقه به تحصیل علوم اسلامی در خواران روز به روز اوج می‌گرفت. با توجه به خطری بودن تربیت خواران، احتیاج به فرد لائق و تزکیه شده‌ای بود که این مهم را به عهده بگیرد. با ایشان مذاکره شد که در این بخش سرمایه‌گذاری کند و مذاکرات مفصلی در این زمینه انجام شد. بعضی از آقایان مخالف بودند که ایشان در تربیت خواران دخالت کند. ایشان می‌فرمودند: «یک حدیث به من نشان بدهید که نهی کرده باشد خواران درس بخوانند، نهی کرده باشد که آشنای به معارف اسلام شوند.» سرانجام پس از دقت و تعمق و بررسی جوانب قضیه، با عزمی راسخ این قدم اساسی را برداشتم. این پایه‌گذاری با حسن استقبال خواران از شهرستان‌های مختلف روبرو شد تا آنجا که در امتحان ورودی مکاتب با اینکه شرایط سنگینی ملحوظ می‌شد، اکثر چندین برابر ظرفیت شرکت می‌کردند و نقش خواران تربیت شده مکاتب، در حرکت انقلاب کاملاً مشهود بود.

قدوسی علاقمند بود که خواران در حد فقهات رشد نمایند. هم اکنون بحمدالله تربیت‌شدگان مکاتب در شهرستان‌های مختلف نقش سازنده دارند و یا در بعضی شهرستان‌ها خود مکاتب را اداره می‌کنند.

با تاکیدات حضرت امام خمینی (ره) نسبت به حفظ کرامت خواران و یادآوری نقش مؤثر آنان در ترم رساندن انقلاب اسلامی متوجه می‌شویم فکر دوراندیشی شهید قدوسی چه آثاری برای ملت مسلمان ایران داشت. حضرت امام خمینی خواران را نیمی از جامعه مؤثر اسلامی می‌دانند و موقعیت‌های مختلف آنان را تشویق به یاد گرفتن معارف اسلامی و ایفاء نقش مؤثرشان می‌نمایند.

مرحوم شهید قدوسی در شهادت فرزند برومندش مرحوم محمد حسن که الحق جوانی شایسته و پاک و با فضیلت و پرتلاش بود مانند حضرت امام در شهادت فرزند فقیهش مرحوم آیت‌الله سید مصطفی، دوستان و شاگردان و بستگان را تربیت نمود، کافی است که خاطر محترم خوانندگان به قسمتی از سخنرانی آن شهید عارف که در مکتب توحید به‌دین مناسبت ایراد نموده جلب شود. «این مسائل، این حوادث، این پیش‌آمدها، این شهادت‌ها، این گذشت‌ها، این فداکاری‌ها، همه اینها برای ما غبطه نیابرد که ای کاش ما هم بودیم تحقیقاً هر لحظه که بخواهید گذشت کنید برای شما لحظه شهادت است، شهادت معنای غیر از این ندارد یعنی گذشت، گذشت از جان، از جسم، از جاه، از شهرت، آواز، پدر، مادر، از زندگی، این می‌شود شهادت، یک شکست نیست و یک شکست این است.» این نوشته را با آخرین دعائی که شهید در مکتب توحید نموده است پایان می‌بخشیم. «خدایوند به‌حق امام زمان، به حق شهدا و صالحین و انبیاء و مرسلین همه را در آن مسیر که شهدای مخلص قدم برداشته‌اند راهنمایی نماید، به ما توفیق و حسن عاقبت مرحمت کند.»

آری، دعايش در حق خودش مستجاب شد. ■

شهید قدوسی در تربیت طلاب و شاگردان مکتب امام صادق (ع) روش خاصی داشت. در تربیت اشخاص اکثر از روش غیر مستقیم استفاده می‌کرد. عیب اشخاص را به رخ آنها نمی‌کشید، بلکه با مطرح کردن ضعف خودش، افراد را متوجه نقطه ضعفشان می‌کرد. همیشه خود را مورد نقد قرار می‌داد و می‌گفت نمی‌شود دلخوش به حشمت خود را چون در روایت است که: «ان الله یزید دینه برجل فاسق»، گاهی خدانو دینش را به وسیله مرد فاسدی کمک می‌کند. نکند مصداق حدیث ما باشیسم. به همین جهت وقتی دعا «اللهم اجعلنی ممن...» را می‌خواند مخلصاً را اضافه می‌کرد، چون می‌فرمود ممکن است به وسیله من، دین خدا نصرت شود، در حالی که من انسان غیر صالحی باشم. کارهای مذهبی را برنگاه می‌دانست و معتقد بود که اگر وقت و مراقبت نشود و یا سستی و تهوانی رخ دهد، ممکن است از مسیر صحیح پرت شویم.

کلاس‌های اخلاقی بسیار مؤثر و متغلب‌کننده بودند. روی مسئله اخلاص در عمل بسیار تکیه می‌کرد. در توصیه به دانش‌پژوهان می‌فرمود: «شما بنا بگذار دو سطر از دعای مکارم‌الاخلاق را در خودت پیاده کنی، من وعده کمال می‌دهم، وعده بهشت می‌دهم.» نسبت به نهج‌البلاغه می‌فرمود: «یک کلمه نهج‌البلاغه را عمل کنی، یک عمر نجات می‌دهد.» در باره خودنگهداری می‌گفت: «تحقیقاً بی‌مایه فطیر است، نلغزیدن کوه شدن است، کوه شدن سنگینی می‌خواهد و البته این صبر می‌خواهد.» اعتقاد حقیر آن است که سخنرانی‌ها و صحبت‌های اخلاقی شهید قدوسی از نور پیاده شود و به طلاب و دانش‌پژوهان توصیه گردد که مطالعه نمایند که خود اثر عمیق در تربیت دارد.

شخصیت سیاسی شهید قدوسی:

در بین فضایی حوزه علمیه قم، تعداد انگشت‌شماری امام خمینی و افکار بلند او را درک کرده بودند و نسبت به تحقق آن فداکاری و برنامه‌ریزی می‌نمودند. شهید قدوسی معتقد بود که باید این فکر را رشد داد و حوزه‌های علمیه را از بنیان متوجه ساخت، طلاب را می‌بایست از پایه‌های تربیت کرد که وظیفه را درک کنند و از رکود و یاس و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل حیاتی و اجتماعی بپرهیزند. دوستان مرحوم شهید قدوسی مانند شهید مظلوم دکتر بهشتی (رضوان‌الله تعالی علیه) که نسبت به حوزه‌های علمیه و تربیت

به نقل از بعضی از همکارانش، تهجدش ترک نمی‌شد و هر وقت شب بیدار می‌شد، تجدید وضو می‌کرد و بعد می‌خوابید، چون خود را در محضر خداوند می‌دید. به خاندان عصمت و طهارت عشق می‌ورزید، به زیارت مبارک جامعه و عاشورا و توسل به خاندان پیغمبر و شرکت در جلسات روضه و سوگواری حضرت ابی عبدالله (ع) مقید بود.

شخصیت اعتقادی و عملی شهید قدوسی:

توفیق همکاری با عالم ربانی مرحوم شهید قدوسی، معلم اخلاق، اسوه تعهد و مقاومت و پشتکار برای حقیر فرصتی بود که هر وقت از گذشته یاد می‌کنم، یادش نیز بر ایام الهام‌بخش باشد. شهید قدوسی از معلود افرادی بود که خدا را یافته بود و به معاد اعتقاد قاطع داشت و یقین به قیامت در زندگی و اعمالش کاملاً مشهود بود. وی با توسل به خاندان عصمت و طهارت به حالات عرفانی بس قوی دست یافته بود و بارها می‌گفت: «خدا یافتنی است نه دانستنی و یافتنی، عیبست می‌خواهد.» او در عین عمل، خود را فراموش نمی‌کرد و به تمام معنی مواظبت نسبت به نفس سرکش داشت، می‌فرمود: «اما تعارف می‌کنیم که می‌گوئیم در برابر خدا چیزی نیستیم. وقتی تمام اعضا و جوارح ما را بشکافند، می‌گوئیم یکی ما، یکی خدا.» او در درس اخلاق و تربیت می‌گفت: «هر جا پای خدا آمد باید «خود» به تمام معنی کنار برود و «خود» به همین زودی نمی‌رود.» و انصافاً مواظبت می‌کرد که در وجود خدا باشد. به نقل از بعضی از همکارانش، تهجدش ترک نمی‌شد و هر وقت شب بیدار می‌شد، تجدید وضو می‌کرد و بعد می‌خوابید، چون خود را در محضر خداوند می‌دید.

به خاندان عصمت و طهارت عشق می‌ورزید، به زیارت مبارک جامعه و عاشورا و توسل به خاندان پیغمبر و شرکت در جلسات روضه و سوگواری حضرت ابی عبدالله (ع) مقید بود. هنگامی که بعضی از تهی‌مغزان وهابی مسلک، نسبت به جملات و مضامین زیارت عاشورا نقد می‌کردند و جمله پر محتوای «تکریم فی الذکرین و اسمائکم فی الاسماء و اجسادکم فی الاجساد و ارواحکم فی الارواح و انفسکم فی النفوس و آثارکم فی الآثار و قبورکم فی القبور» را به یاد مسخره می‌گرفتند، مرحوم شهید قدوسی از بی‌خردی و نادانی آنها تعجب می‌کرد و می‌فرمود در زیارات، زیارتی به این فصاحت و بلاغت وجود ندارد؛ این زیارت از زیارات عالی‌تر است. کلام معصوم بودن از آن می‌بارد، اتفاقاً در همین جملات بالاترین لطافت‌ها هست. می‌خواهد بگوید در میان تمام ذکرها، ذکر شما مورد عشق من است، در عین اینکه اسماء شما، بین اسماء است، اسم شما جذبه دارد، شیرین است (فما لاهلی اسمائکم). گمان می‌کنند در اسم علی و حسن و حسین و غیره، مسمی هر چه بود مساوی است، اسم شما شیرین است، جذاب است، قبر شما در عین حال که در قبور است، درخشندگی دارد، مامن است، امتیاز دارد، علی به نام علی روح داده، حسین به نام حسین لطافت و درخشندگی داده، کورند و کور شدند کسانی از این طرافت‌ها و لطافت‌ها را درک نمی‌کنند.» و به همین منوال جملات دیگر را تفسیر می‌کرد.

مرحوم قدوسی می‌فرمود که علامه بزرگوار طباطبائی به این معنی تاکید دارد و در ایام محرم و صفر زیارت عاشورا پیش ترک نمی‌شود و به زیارت جامعه اهتمام دارد و معتقد است از معتمدترین نسخه استفاده کند. می‌فرمود: «من معتقدم در زیارت عاشورا از نسخه مرحوم عالم ربانی آیت‌الله قاضی استاد علامه طباطبائی استفاده کنم. فراموش نمی‌کنم در ایام عاشورا روزی خدمتش بودم. بعد از آنکه قسمتی از کارهای مشترک انجام گرفت، بنا شد به مجلس سوگواری سید مظلومان، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) برویم. ایشان فرمود: «برویم منزل مرحوم آیت‌الله میرسید حسن برقی (ره) چرا که حدود یکصد سال است در این منزل به طور مداوم در ایام عاشورا تعزیه‌داری حضرت برپاست و قطعه به این مکان عنایت و توجه دیگری است.» او به تربیت حسین (ع) عشق می‌ورزید و برای خودش تربیت مخصوصی تهیه کرده بود و انگشتری را که به نام مقدس معصومین زینت یافته بود، برای شب اول قبرش تهیه دیده بود. در عین حال مظاهر به مسائل اعتقادی و سجایا و خلقیات ارزشمند نبود. او جدا به روز قیامت و معاد معتقد بود و آیه مبارکه «تلک الدار الاخره نجعلها للذین لایردون علوانی الارض و لافسادا و ابعاقه للمتین» را بیشتر اوقات متذکر می‌شد و در رفتار و اعمالش این اعتقاد کاملاً مسجل بود.

روش تربیتی و شخصیت اخلاقی مرحوم شهید قدوسی: